

● یادداشت ●  
دکتر محمدعلی همتی

## شرکای اجتماعی، داوران منصف

بخش درمان سازمان تامین اجتماعی یکی از چندین حوزه ای است که طی سه سال گذشته پیشرفت های شگرفی را به خود دیده است. به طوری که در همه زمینه ها طبق برنامه های استراتژیک طراحی شده، مسیر رو به رشد و ترقی خود را طی کرده و موفق شده بیش از ۹۰ درصد از برنامه های مدون و کارشناسی شده را محقق کند و کارنامه بسیار خوبی در زمینه اجرای تعهدات برای مجموعه سازمان تامین اجتماعی بر جای بگذارد. برای ارزیابی بهتر این گفته باید به باز خورد اقدامات و سیاست های بخش درمان سازمان تامین اجتماعی در میان شرکای اجتماعی مراجعه کرد. چرا که نمایندگان تشکلهای کارگری، کارفرمایی و بازنشستگی بر حوزه درمان سازمان تامین اجتماعی نظارت دارند و همواره تحولات و کیفیت خدمات درمانی سازمان را با حضور در بیمارستان ها و مراکز درمانی پیگیری می کنند. اغلب این عزیزان شاهد پیشرفت های بخش درمان هستند و تغییرات مثبتی که در این بخش صورت می گیرد را احساس می کنند. در سال های گذشته سازمان تامین اجتماعی موفق شده تعداد زیادی پروژه بیمارستانی جدید افتتاح کند. بسیاری از مراکز بیمارستانی در وضعیت نامناسبی چه از نظر تجهیزات و چه از نظر مدیریتی به سر می بردند اما با تلاش های همکاران مادر معاونت درمان، به روز رسانی شدند و مسائل و مشکلات آن ها مرتفع شد. از طرف دیگر ارتقای هتلیتک بیمارستان ها از ابتدای دوره مدیریتی سازمان تامین اجتماعی به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. این دیدگاه در میان هیئت مدیره و برنامه ریزان سازمان به وجود آمده که یکی از موارد بسیار مهم در ایجاد رضایتمندی میان بیمه شدگان و مستمری بگیران ارتقای هتلیتک بیمارستانی است. بیمه شدگان مراجعه کننده به بیمارستان های تامین اجتماعی نیاز به فضایی آرام بخش در بیمارستان دارند. فضایی که نور و رنگ آن متناسب باشد، فاقد مولفه های استرس زا باشد و در آن با روان شناسی رنگ ها بهترین شرایط فراهم شده باشد. این اتفاق هم اکنون در بیمارستان های تامین اجتماعی در حال انجام است و تمام موارد از نوسازی و تجهیز ساختمان ها و تأسیسات گرفته تا تهیه ملزومات ارش و آسایش بیماران و همراهان آن ها در بیمارستان ها با دقت مورد رسیدگی قرار می گیرد و در ادامه نیز گسترش خواهد یافت. در حوزه ارائه خدمات بیمه پایه، خوشبختانه با دستوروی که وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی صادر کرد همسان سازی و یکسان سازی خدمات بیمه پایه درمانی در سازمان های بیمه گر الزامی و این بسته خدماتی پایه در سازمان ها تعریف شد. موارد جدید دارویی یا خدماتی نیز که اضافه می شوند، قاعداً ابتدا باید در شورای عالی بیمه طرح شوند و در صورت صدور مصوبه مربوط به آن، سازمان های بیمه گر موظف به اجرای آن ها خواهند بود. سازمان تامین اجتماعی هم تا به امروز بر همین اساس عمل کرده است. مضافاً آنکه طرح تحول نظام سلامت، برای عموم مردم و همچنین بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است و این فرصت را ایجاد کرده که بیمه شدگان تامین اجتماعی بتوانند در بیمارستان های دانشگاهی از امکانات درمانی با فرانشیز ۳ و ۴ درصد بهره برند و بدین ترتیب پرداخت از جیب آن ها کاهش یابد. سازمان تامین اجتماعی تا به امروز کمک های شایان توجهی به اجرای طرح تحول نظام سلامت داشته است. به گونه ای که وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اخیراً در رابطه با پرداخت هایی که این سازمان پس از توافق چهار جانبه به مراکز دانشگاهی انجام داده، اعلام کرده است که اجرای این توافق از خود طرح تحول نظام سلامت مهم تر است. معنای این حرف آن است که سازمان تامین اجتماعی با تمام وجود منابع خود را تجهیز کرده تا بتواند طرح تحول نظام سلامت را همراهی کند. ما اعتقاد داشته و داریم که طرح تحول نظام سلامت که یکی از بزرگ ترین طرح های دولت تدبیر و امید است، نیاز امروز کشور است و باید به آن توجه داشت. سازمان تامین اجتماعی هم وظیفه خود می داند که از همه امکانات و پتانسیل هایی که در اختیار دارد در راستای اجرای این طرح که درواقع نوعی خدمت به بیمه شدگان است بهره ببرد. سه سال پیش به طور متوسط ماهیانه حدود ۳۸۰ میلیارد تومان به مراکز طرف قرارداد پرداخت می شد اما در حال حاضر به دنبال افزایش تعهداتی که این طرح برای سازمان تامین اجتماعی به وجود آورده، رقم پرداختی به حدود هزار میلیارد تومان در ماه رسیده است. همین آمار نشان دهنده بار سنگینی است که سازمان تامین اجتماعی در راستای اجرای این طرح ملی بر دوش گرفته و در اجرای آن وزارت بهداشت را حمایت می کند.

معاون درمان سازمان تامین اجتماعی

## سخنرانی مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی در نماز جمعه تهران

همزمان با روز تامین اجتماعی، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه هفته گذشته تهران اعلام کرد: «این سازمان و زیرمجموعه های اقتصادی آن باتدوین راهبردهای ویژه در مسیر سیاست های اقتصاد مقاومتی حرکت می کنند.» سیدنتقی نوربخش با تشریح اهمیت و فلسفه وجودی و قانونی تامین اجتماعی، مهم ترین کارکرد تامین اجتماعی را ایجاد امنیت اجتماعی عنوان کرد و در ادامه به ارائه گزارش دستاوردهای این سازمان در دولت یازدهم پرداخت. خدمات رسانی به نیمی از جمعیت کشور، ارائه خدمات درمانی در ۸۰ بیمارستان و ۴۲۰ مرکز درمانی ملکی و ۴۰ هزار مرکز درمانی طرف قرارداد، افزایش مستمری های بیش از نرخ رسمی تورم و... از دیگر محورهای سخنان نوربخش در جمع نمازگزاران بود.

## ۰۴ | کتینه نو

## ویس مشرق

هفته تامین اجتماعی

بهر روز هادی ز نور، اقتصاددان، در نشست «بحران مالی در صندوق های بازنشستگی و راه های برون رفت از آن» عنوان کرد:

# کارکرد تامین اجتماعی را درست درک کنیم



دکتر بهروز هادی ز نور بر این نظر است که عوامل محیطی و به خصوص ساخت اقتصادی معیوب، بسیاری از فرصت های سرمایه گذاری را از صندوق ها گرفته و بر بازدهی و عملکرد آنها اثر گذار بوده است

کل بازنشستگی های سازمان تامین اجتماعی تنها به موجب بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور و قانون نوسازی صنایع به وقوع پیوسته است.

## ■ ترکیب سرمایه گذاری ها، ریسک بزرگ پیش روی تامین اجتماعی

با تمام این اوصاف اگر جمع درآمدهای سازمان تامین اجتماعی در سال های ۸۹ تا ۹۳ را بررسی کنیم متوجه می شویم که اگر چه به نظر می رسد درآمدها رشدی سه برابری داشته اند اما اگر مجموع درآمد سازمان تامین اجتماعی را در همین دوره به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ محاسبه کنیم، درمی یابیم که درآمد حقیقی سازمان ثابت بوده است. در عین حال یکی از شاخص های کلیدی طراحی نظام بازنشستگی، میزان و نحوه سرمایه گذاری ها است. اکثر شرکت های «شستا» از نرخ سود بانکی و متوسط بازدهی بازار بورس، وضعیت بهتری نداشته اند. در این میان بالاترین بازدهی مربوط به حوزه نفت، گاز و پتروشیمی بوده است. به نظر می رسد با توجه به متمکز بودن بخش زیادی از سرمایه گذاری های شرکت های زیرمجموعه

«شستا» در این حوزه و کاهش قیمت جهانی آن ها، حداقل تا یک دهه آینده، به لحاظ ترکیب سرمایه گذاری ها، ریسکی بزرگ پیش روی سازمان خواهد بود. اما مسئله این است که این میزان سرمایه گذاری سهم چندانی درمجموع درآمدهای سازمان طی این چنددهه نداشته است. به طوری که بالاترین این سهم مربوط به سال ۱۳۸۳ معادل ۱۵/۸ درصد است و کمترین آن در سال ۱۳۸۴ بوده که تنها ۱/۸ درصد بوده است. در ۹ ماه سال ۹۳ نیز این سهم به ۴/۲ درصد رسیده است. به زبان دیگر عملکرد این حوزه در وضعیت منابع و مصارف سازمان تا حد زیادی اثر گذار است. درواقع یکی از مولفه های اساسی پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی وضعیت منابع و مصارف این سازمان است که همواره میانگین رشد مصارف به منابع پیشی داشته است. با این حال ارزیابی محاسبات بیمه ای از اساسی ترین اموری است که می تواند اجرای برنامه های سازمان تامین اجتماعی را تسهیل کند. درواقع با انجام این نوع محاسبات ارائه

تصویر روشنند از برآورد هزینه ها و درآمدهای حاصل از حق بیمه یا سایر منابع درآمدی میسر می شود و پایداری مالی تامین می شود.

اشکال مختلفی از توزیع رانت هستیم. همین توزیع رانت باعث ایجاد تعهدات بلندمدت و ناکارآمدی می شود که پیامدهایی نیز برای سازمان تامین اجتماعی به بار آورده است. بدین معنا که دولت باید سهم ۳ درصدی خود را به سازمان پرداخت کند. طبق قانون، دولت باید معادل سود اوراق مشارکت به سازمان تامین اجتماعی در قبال بدهی های خود بهره بپردازد اما این مهم موردی اعتنایی قرار گرفته است. در حال حاضر این بدهی ها ۱۱۰ هزار میلیارد

تومان است اما پیش بینی می شود تا پایان دهه ۹۰ این رقم به حدود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان برسد. در صورت استمرار سیاست های دولت در قبال این سازمان، دیری نخواهد پایید که سهمیل و نماد نظام تامین اجتماعی ایران به ورشکستگی خواهد رسید. از سویی نیز شاهد سرکوب مالی و عقب ماندگی بازارهای مالی کشور هستیم و نرخ سود حقیقی سیرده کشور طی دهه ۸۰ به شدت کاهش یافته و نظام بیمه ای که یکی از ارکان اصلی این بازار است با چالش جدی مواجه شده است. تحلیل نحوه طراحی نظام بازنشستگی نیز پرده از برخی حقایق بر می دارد. موضوعاتی از قبیل معماری کلی سیستم، پارامترهای عملیاتی سیستم و شاخص های کلیدی طراحی نیاز به توجه

جدی دارند. مسئله این است که سیستم نظام بازنشستگی در کشور ما بر اساس اصل مزایای معین (DB) است. در این نظام سطح مستمری، پیش از زمان بازنشستگی طبق قواعدی مشخص می شود و صرف نظر از اینکه سرمایه گذاری در صندوق به چه شکل است، پرداخت مستمری ها تضمین خواهد شد. یعنی ریسک بر عهده سازمان بیمه گر است و سود و زیان سرمایه گذاری ها تأثیری بر حق قانونی مستمری بگیران نخواهد داشت. این وضع منجر به افزایش قابل توجه تعهدات تامین نشده می شود و افزایش امید به زندگی نیز از ابحرانی تر می کند. سازمان تامین اجتماعی در آغاز، از خود را بر اساس اندوخته گذاری کامل شروع کرد، اما با بلوغ سازمان و تحمیل تعهدات مالی متعدد بر آن، امروزه مبتنی بر اندوخته گذاری جزئی کار می کند. عده ای نیز معتقدند در آینده نه چندان دور سازمان تامین اجتماعی به صورت بدون اندوخته یا توازن درآمد با هزینه قرار گرفتن پوشش بیمه ای کامل فعلی می گیرد و به سالمندان پرداخت می کند. علاوه بر دو عامل الگوی تعیین تعهدات و الگوی تامین مالی، عامل سوم دخیل در معماری کلی نظام تامین اجتماعی در ایران، یکپارچه نبودن این نظام است که متشکل از ۱۸ سازمان و صندوق مستقل است که هریک قوانین و مقررات ویژه خود را دارا هستند و همگی به کمک مالی دولت نیاز دارند و دولت نیز به دلیل مضیق مالی و حجم عظیم نیاز این صندوق ها، قادر به پاسخگویی به نیازهای آن ها نیست. پیش از این صندوق های تامین اجتماعی مطابق آمارهای سال ۹۳ حدود ۷۰ درصد افراد تحت پوشش بر مبنای حداقل دستمزد حق بیمه پرداخت می کنند. از طرفی دیگر عوامل اختلال از که عمدتاً از سوی قوه قانون گذار به سازمان تحمیل شده انقدر زیاد است که موجب افزایش بازنشستگی های پیش از موعد شده و عملاً سازمان را از کار کرد اصولی و درست خود باز داشته است. استدلالی که مطرح می کنند این است که بازنشستگی های پیش از موعد، راه ورود نیروهای جدید به بازار اشتغال کشور را هموارتر می کند. تحقیقات اما عکس این را نشان می دهد. چرا که ۶۲ درصد از افرادی که مستمری بازنشستگی دریافت می کنند، مجدداً به بازار کار بر می گردند و بیش از ۲۰ درصد

نرخ پشتیبانی بالقوه کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر ایران از نظر مشارکت، پشتیبانی و حمایت از نسل های سالمند و همچنین نسل های بعد فاصله معناداری با متوسط جهانی دارد که اتفاقاً در سال های بعد از انقلاب روندی نزولی به خود گرفته است. جمعیت شاغل در کشور ما بعد از انقلاب ۳ برابر شده اما متوسط افزایش جمعیت شاغل در فاصله ۱۰ سال ۵۵ تا ۶۵ حدود ۵/۵ درصد بود و در دهه های بعد به ترتیب ۲/۷۶ و ۳/۶۶ و در نهایت در سال ۹۰

به ۰/۰۶ درصد رسیده است. یعنی عملکرد بازار کار ضعیف بوده و از طرفی نیز چون تقاضای بازار کار مبتنی بر رشد اقتصادی است، هرچه رشد اقتصادی بیشتر باشد، بازار کار رونق بیشتری خواهد گرفت و برعکس. معنای همه این حرف ها آن است که متاثر از بحران اقتصاد کشور، علاوه بر اینکه سطح زندگی ایرانیان تنزل یافته، این بحران بنیادی از اقتصاد به صندوق های بازنشستگی نیز سرایت پیدا کرده است. با این اوصاف باید گفت تا زمانی که مسئله اقتصاد حل نشود، چالش صندوق های بازنشستگی نیز مرتفع نخواهد شد. ساز و کار تأسیس نظام بازنشستگی متاثر از تحولات کشورهای پیشرفته است اما ما همین نظام را در کشورمان که نیمه صنعتی

است و آرمان اصلی اش هم رشد نیست، پیاده سازی کرده ایم. یعنی با درهم آمیختگی ساز و کار بیمه ای با منطق حمایتی، تصور کرده ایم سازمان بیمه ای باید شامل حمایت هائیز باشد. ما از اساس نفهمیده ایم سازمان تامین اجتماعی چیست و در نیافته ایم این سازمان چه ساخت اقتصادی و پیش درآمدهایی برای کارکرد صحیح نیاز دارد. مسئله بعدی بخش غیر رسمی اقتصاد است که خود یکی از عوامل تحت الشعاع قرار گرفتن پوشش بیمه ای کامل در کشور قلمداد می شود. بر اساس مطالعات، سهم این بخش در اقتصاد کشور حدود ۲۳ درصد است. علت این سهم روبه فزونی در تمام سال های پس از جنگ، از یک طرف مقررات دست و پاگیر و از طرف دیگر رونق قاچاق (کالا و مواد مخدر) است که به تدریج فریه شده است. تحول بیکاری جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال را نیز نباید از یاد برد. این شاخص که در زمره شاخص های بازار کار است، خود داستان مفصلی دارد. مطابق آمارهای سرشماری کشور حدود ۱۵/۳ درصد جمعیت کشور بیکار هستند و از سوی دیگر نیز بسیاری از مشاغل در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران ناپایدارند و همین موضوع عملکرد نظام بیمه ای کشور را نیز دچار اختلال می کند.

## ■ اقتصاد نفتی و تشدید نا کارآمدی در صندوق ها

شاخص سوم عوامل محیطی، شاخص مالی است. دولت در کشور ما از نظر اقتصادی وابسته به نوسانات قیمت جهانی نفت و صادرات آن است. اگر سهم مخارج و کسری بودجه دولت در GDP کشور را بررسی کنیم، متوجه می شویم که دولت در دوره جنگ ۸ ساله به دلا بی کاملاً طبیعی با کسری بودجه مواجه شد. اما سوال این است که در سال های رونق نفتی (۸۳ تا ۸۸) چرا با کسری بودجه روبه رو شد. پاسخ را باید در اشتباهی سیری ناپذیر این نهاد در هزینه کردن و عدم درک محدودیت های مالی دانست. مشروعیت دولت اساساً مبتنی بر دموکراسی و رشد اقتصادی است اما در کشورهای نفتی در حال توسعه، این مشروعیت از طریق توزیع رانت نفتی به دست می آید. بنابراین نهاد دولت در کشور ما رانتیتر است و با توجه به بالا بودن سهم نفت در بودجه سالانه، شاهد

■ مسعود شاه حسینی ●  
روزنامه نگار ●

تحلیلگران، عواملی مانند فراگیر نبودن قلمروهای بیمه اجتماعی و پوشش جمعیتی نا کافی، نبود سیستم های کارآمد برای نظارت بر اجرای قوانین، افزایش بدهی های موقوف دولت به صندوق های بازنشستگی، تسهیل در مقررات بازنشستگی پیش از موعد، و پایین بودن نسبت میانگین دریافتی مستمری بگیران به میانگین معیشت جامعه را از جمله چالش هایی می دانند که در سال های گذشته عرصه را بر صندوق های بازنشستگی و به خصوص سازمان تامین اجتماعی تنگ کرده، با این حال تاکنون کمتر تحلیلی از منظر ساخت اقتصاد و تحلیل اثرات عوامل محیطی بر صندوق های بازنشستگی و ارزیابی دردهای نظام تامین اجتماعی ارائه شده است. ساختی که به نظر بهروز هادی ز نور، مقدم بر هر گونه سیاست گذاری است و باید به صورت درست و حسابی سامان یابی شود تا صندوق ها از رهگذر سرمایه گذاری بتوانند چالش های پیش روی خود را که عمدتاً هم مالی است رفع کنند. این اقتصاددان به نام کشور بر این باور است که به علت سرکوب مالی، فقدان بازار بدهی دولت و ضعف بورس اوراق بهادار کشور به عنوان بازار اولیه تامین مالی، در سال های گذشته فرصت های سرمایه گذاری صندوق ها در بازار مالی و مدیریت سبد سرمایه کپریسک با بازدهی متوسط و نقدپذیری بالا از بین رفته و همین، عامل توجیهی منطقی برای ورود این صندوق ها به بنگاهداری شده است. این عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی هفته گذشته درنشستی که به مناسبت گرامیداشت هفته تامین اجتماعی در موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی برگزار شد، از همین منظر به موضوع بحران در صندوق های بازنشستگی کشور با تمرکز بر سازمان تامین اجتماعی پرداخت که در ادامه مشروح صحبت های وی را می خوانید.

## ■ عوامل محیطی، شاخص ترین عامل در بحران صندوق ها

واقعیت این است که اکثر صندوق های بازنشستگی ایران مانند صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق نیروهای مسلح و فولاد ۸۵ درصد از منابع خود را از دولت دریافت می دارند و اگر این وضعیت اصلاح نشود، ظرف شش سال آینده کل بودجه کشور را این صندوق ها به خود اختصاص خواهند داد و بحرانی در ابعاد بزرگ کشور را فرا خواهد گرفت. به نظر می رسد با توجه به روندهای پیش رو نده کنونی حفظ وضع موجود قدری بعید به نظر برسد و لازم است در برنامه ریزی ها واقع نگر باشیم. این مسئله در مورد سازمان تامین اجتماعی عمدتاً به خاطر تعدد وظایف این سازمان است که به دلیل گستردگی وظایف و پر شمار

بودن افراد تحت پوشش، روزهای دشواری را سپری می کند. پرداخت مستمری بازنشستگی، پرداخت مستمری بازنندگان و از کار افتادگان، حمایت از بیمه شدگان و مستمری بگیران در برابر حوادث و بیماری ها، پرداخت مقرری بیکاری و... بخشی از چندین وظایفی است که طی سالیان دراز بر عهده این سازمان گذاشته شده است. موضوعی که باید به آن توجه داشت این است که در دنیا برای بررسی وضع صندوق های بازنشستگی ابتدا شاخص های محیطی و در مرحله بعد شاخص طراحی سیستم و در نهایت هم شاخص های عملکرد را بررسی می کنند. شاخص های محیطی زیرمجموعه های مهمی شامل شاخص های جمعیتی، شاخص های بازار کار و شاخص های مالی دارند که هر کدام در تعادل منابع و مصارف صندوق های بازنشستگی اثر گذار است. به طور مثال در شاخص جمعیتی، مولفه هایی مانند نرخ باروری، امید به زندگی، جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، نرخ وابستگی سالمندان و پیش بینی وابستگی آن ها مطرح است. شاخص های جمعیتی از آن رو مهم است که هر چقدر امید به زندگی افزایش پیدا کند، سال هایی که باید تعهدات از سوی سازمان بیمه گر پرداخت شود، افزایش می یابد.

## ■ سرایت بحران از اقتصاد به صندوق های بازنشستگی

پیش بینی جمعیت نشان می دهد که تا سال ۱۴۰۰ جمعیت ۶۵ سال و بیشتر کشور به حدود ۵/۵ میلیون نفر می رسد و چون به طور معمول سالمندی با فقر همراه است، بنابراین اگر این اقشار تحت پوشش بیمه ای قرار نگیرند، چتر حمایتی شامل حال آن ها می شود و تعهداتی را برای سازمان های حمایتی ایجاد خواهد کرد. آمارهای بانک جهانی حاکی از آن است که نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال به کل جمعیت کشور در سال ۲۰۵۰ به ۱۷ درصد خواهد رسید و بنابراین انتظار می رود وابستگی سالمندان بیشتر شود. مسئله فاجعه بار در ایران نرخ مشارکت پایین نیروی کار در اقتصاد کشور است. این نرخ در سال ۹۰ معادل ۴۳/۴ درصد بود در حالی که متوسط نرخ مشارکت نیروی کار در جهان معادل ۶۳/۵ درصد است. نکته مهم این است که نرخ مشارکت کمتر به معنای



یکشنبه ● ۲۷ ۱۳۹۵ ● شماره شصت و دو

A T I V E H N O

